

به مناسبت انتخابات ریاست جمهوری در ایران

مه 2009 - اردیبهشت 1387

سخنرانی پالتالکی

تحريم انتخابات تئوکراتیک ایران

به مناسبت انتخابات ریاست جمهوری در ایران، جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک برنامه پالتالکی بحث و گفتگویی در روز یکشنبه 31 مه با شرکت خانم فاطمه حقیقت جو و آقایان حسن شریعتمداری و شیدان وثیق برگزار کرد. شیدان وثیق متن سخنرانی خود را که در زیر می خوانید برای ما ارسال کرده است.

با سلام به خانم ها، آقایان و سخنرانان محترم. با تشکر از جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران که چنین فرصتی را فراهم آورده اند تا گفت و شنودی با هم داشته باشیم. من در اینجا سعی می کنم، بویژه از یک موضع دفاع کنم: تحريم انتخابات تئوکراتیک در ایران. اما ابتدا، سه نکته را مایلم یاد آوری کنم.

- یکی این که من در اینجا به صفت شخصی اظهار نظر می کنم. با این وجود کوشش من همواره این بوده و هست که از دو خاستگاه به مسائل سیاسی - اجتماعی و امر «سیاست» بنگرم. یکی از موضع جمهوری خواهی دموکراتیک و لائیک و دیگری از موضع چپ انتقادی، آزادی خواه، سوسیالیستی و غیرتوتالیتی که «چپ دیگر» می نامم. این دو نگاه به باور من اساسی و مکمل یکدیگر اند.

- نکته دوم این است که به باور من تحريم "انتخابات" منافا تی با مداخله گری جنبشی در فضایی که به مناسبت انتخابات ایجاد می شود، ندارد. این دو رویکرد نیز، یعنی تحريم و مداخله گری، اساسی و مکمل یکدیگر اند. می دانیم که ویژگی اصلی اوضاع امروز ایران، برآمدن جنبش های اجتماعی - سیاسی است. جنبش های مدنی، حقوق بشری، انجمنی و سندیکایی، جنبش زنان، جنبش های دانشجویی، کارگری و ملی- قومی. این جنبش ها، امروزه، می خواهند با مطالبات خود در جامعه حضور یابند. فعالیت کنند. طرح ها، خواست ها و ایده های خود را با مردم در میان گذارند. به جنبشی گفتمانی با مردم و درمیان مردم

دامن زند. بدین وسیله، شرایط ذهنی و عملی تغییرات اجتماعی و سیاسی در ایران را فراهم کنند. وظیفه‌ی اپوزیسیون دموکراتیک خاج از کشور پشتیبانی از این جنبش هاست. دیالوگ با آن هاست. اما دیالوگ و نه مونولوگ. پشتیبانی انتقادی و نه بَه بَه و احسن‌گویی متداول. گفتگویی همراه با طرح کاستی‌ها، نارسای‌ها و توهم‌ها که در جنبش وجود دارند. جنبشی که خود ما نیز، با همه‌ی کاستی‌ها، نارسای‌ها و توهم‌ها، بخشی از آنیم.

- نکته‌ی سوم این است که رأی شهروندان متعلق به خود شهروندان است. این احزاب، سازمان‌ها و فعالان اجتماعی- سیاسی نیستند که برای مردم تعیین تکلیف می‌کنند که رأی بدهند، ندهند و یا به چه فردی رأی دهند. شهروندان بالغ و عاقل صاحب اختیار چگونه رأی دادن خود هستند. اما این معنا نیست که فعالان اجتماعی- سیاسی، سازمان‌ها و احزاب نظر خود را به صورت پیشنهادی با مردم در میان نگذارند. از جمله این که در انتخابات غیر آزاد، ضد دموکراتیک و تبعیض آمیز نباید شرکت کرد.

با این مقدمه به گفتار اصلی خود می‌پردازم.

آن چه که پیش روی ماست، برنامه‌ای است که طی سی سال بنام «انتخابات ریاست جمهوری» در ایران اجرا می‌شود. به طور منظم هر چهار سال یکبار و توسط سیستمی تمام و تمام تئوکراتیک و تمام خواه. «انتخاباتی» که در حقیقت نه انتخابات است، نه در آن رئیس جمهوری صاحب اختیار انتخاب می‌شود و نه موضوع آن امر جمهور است. با این گفته، البته ما را از فاش نمی‌کنیم. تمامی اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی و کارکرد این رژیم، از استقرارش در پی انقلاب ضد سلطنتی 1358 تا امروز، دلالت بر آن می‌کنند.

- یک این که، پدیداری به مفهوم جمهوری *Res publica* به معنای چیز عمومی یا امر عمومی در ایران وجود ندارد. آن چه که هست، چیز یا امر تئوکراسی اسلامی است. بنا بر اصل دوم قانون اساسی: نظام ایران «نظامی است بر پایه‌ی ایمان به خدا، اختصاص حاکمیت به او، لزوم تسلیم در برابر امر او، ایمان به وحی الهی و نفس بنیادین آن در بیان قوانین... ایمان به امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن». و بنا بر اصل چهارم: «کلیه‌ی قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این‌ها باید بر اساس موازین اسلامی باشد...». پس در چنین نظامی، امر عمومی یا جمهور نسخ می‌شود. زیرا که جمهور یا امر عمومی دین ندارد. دین نمی‌شناسد.

هر گاه که دین وارد میدان امر عمومی شود، امر عمومی از میدان به در می‌رود. جایش را به امر خاص، امر خواص، امر روحانیت، امر امام، امر دین، امر مذهب، امر اسلام، اولوالامر و از این قبیل چیزها می‌دهد. بدین سان، چیز عمومی، عمومیت خود را از دست می‌دهد.

- دوم این که در این به اصطلاح انتخابات، فردی از درون دستگاه به نام "رئیس جمهور" انتخاب می‌شود که صاحب اختیار و قدرتی تعیین کننده نیست. اما کسی که بالای سر او قرار دارد و دارای همهٔ اختیارات و قدرت‌های است، در غیاب خدا و رسول، اولوالامر است، صاحب امر است، تعیین کنندهٔ اصلی سیاست‌های کلی نظام است، نه منتخب مستقیم مردم است و نه پاسخگو به مردم. در تئوکراسی ایران، بنا بر اصول 5 ام، 57 ام و 110 ام قانون اساسی، همهٔ اهرم‌های قدرت در دست ولایت فقیه و نهادهای منصوب اöst (۱). به همهٔ اختیارات ولایت فقیه در قانون اساسی باید حکم «حکومتی رهبر» را نیز اضافه کرد.

- سوم این که "انتخابات ریاست جمهوری" مانند دیگر انتخابات در ایران آزاد نیست. آشکارا ضد دموکراتیک است. انتخابات آزاد و دموکراتیک مستلزم وجود پیش شرط‌هایی چون فضای آزاد بحث و گفتگو، فعالیت آزاد جامعهٔ مدنی، انجمن‌ها، احزاب و سازمان‌ها، آزادی مطبوعات و رسانه‌های مستقل و حضور ناظرین بین‌المللی... است. در انتخابات ایران هیچ یک از این پیش شرط‌ها وجود ندارند. "انتخابات ریاست جمهوری" در ایران، انتخابی است از بین برگزیدگان شورای نگهبان که معتقد به مبانی دین سالاری اسلامی‌اند. شورای نگهبانی که 6 تن از اعضای تضمین گیرندهٔ آن (یعنی فقهای آن) در حوزهٔ انتباق قوانین با موافقین دینی، بنا بر اصل 99 ام قانون اساسی، برگزیدهٔ ولی فقیه‌اند. این نهاد انتصابی سدی عبور ناپذیر در برابر منتقدان و مخالفان و راه یافتن آن‌ها به نهادهای به ظاهر انتخابی است.

- سرانجام، "انتخابات ریاست جمهوری" ایران آشکارا تبعیض آمیز است. بنا بر اصل 114 ام قانون اساسی: «رئیس جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی... معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور» انتخاب شود. بدین ترتیب، بنا بر این اصل و یا تفسیر شورای نگهبان از آن، بیش از نیمی از جامعه، یعنی زنان، از حق نامزدی برای ریاست جمهوری محروم‌اند. از سوی دیگر، طبق همین اصل، اقلیت‌های مذهبی (غیر از مذهب رسمی) و کسانی که باور به دین ندارند... از حق نامزدی محروم می‌شوند. پس، حداقل چیزی نزدیک به دو

سوم جمعیت واجد شرایط سنی برای رأی دادن، از حق نامزدی برای ریاست جمهوری در ایران محرومند.

اما اهمیت تحریم انتخابات تئوکراتیک در ایران را زمانی بهتر در می یابیم که ویژگی های این تئوکراسی را بشناسیم. از جمله تقلای مستمر آن را برای کسب مشروعيتی مردمی برای خود.

- تئوکراسی اسلامی ایران در یکی از معناهای «سکولاریزاشیون»، گونه ای سکولار است. یعنی در عین حال که ادعای مشروعيت آسمانی و خدا ای می کند، در پی کسب مشروعيت زمینی و مردمی نیز هست. تئوکراسی در معنای اخص و کلاسیک خود نیازی به مشروعيت دنیوی ندارد. چون همان مشروعيت آسمانی برایش کافی است. اما تئوکراسی اسلامی ایران از ابتدا در پی جلب پشتیبانی مردم بوده است. بدین منظور، جمهوری اسلامی، از روز نخست، همه‌ی نهادها و نمادهای مدرنیته چون دولت، پارلمان، جمهوریت، قانون اساسی، جدا ای سه قوه، انتخابات... را در خدمت تئوکراسی خود به کار می‌گیرد. اما با زدودن معنا، مضمون و جوهر دموکراتیک آن‌ها. از سوی دیگر، تئوکراسی اسلامی ایران محصول انقلابی مردمی است. در نتیجه همواره در پی آن است که رژیم خود را به مردم خود و جهانیان، «مردمی» و «ادامه دهنده‌ی انقلابی مردمی» بنمایاند. این تئوکراسی همواره می‌خواهد که «مردم»، خود، داوطلبانه، رأی به بردنگی، انقیاد، سلطه و قیومیت پذیری خود دهند.

- ویژگی دیگر این است که در دین سالاری شیعی ایرانی، چند دستگی و اختلاف وجود دارد. در نتیجه این نوع تئوکراسی برای حفظ حکومت خود، نیاز میرم به فضایی دارد که در آن بتواند اختلاف‌های درونی خود را، بطور مسالمت آمیز (حتی المقدور!), حل و فصل کند. از این طریق است که به مصالحه و سازش‌ها بی موقت در درون خود دست می‌یابد. در نتیجه، این تئوکراسی، برای انتخاب فردی یا افرادی از میان خود، به یک نوع «دموکراسی تئوکراتیک» توسل می‌جوید، با این که این دو نافی و ناسخ یکدیگراند.

- سرانجام، در "انتخابات ریاست جمهوری ایران"، نامزدهای انتصابی شورای نگهبان، بنا بر علت وجودی شان، ملزم به پذیرش و رعایت قانون اساسی و بنیادهای حکومت اسلامی اند. از این‌رو، آن‌ها نمی‌توانند خواهان ایجاد تغییراتی اساسی در اوضاع کشور باشند. اینان، در مقام ریاست جمهوری و در صورت تمایل به برخی اصلاحات محدود در چهارچوب نظام، دارای اختیار و قدرتی مستقل از رهبر و

دستگاه تئوکراتیک نیستند که بتوانند چنین سیاست هایی را اجرا کنند.

دین سالاری اسلامی ایران همواره می کوشد که در "انتخابات" مختلف، از جمله در انتخابات ریاست جمهوری که مهم ترین و سیاسی ترین آن هاست، رأی مردم را «رأی داوطلبانه‌ی» آن ها به حکومت اسلامی وانمود کند. تا از این طریق بتواند، هم در عرصه‌ی داخلی و هم خارجی، با دست هایی باز عمل کند. در صحنه‌ی داخلی، سلطه بر مردم را تشدید کند. خواست های دموکراتیک و آزادی خواهانه‌ی آن ها را سرکوب کند. و در صحنه‌ی بین المللی، سیاست های قدرت طلبانه و ماجراجویانه خود را ادامه دهد.

حال از آن چه که رفت چه نتیجه‌ای می گیرم. این که انسان آزاده در برنامه‌ای غیر آزاد، ضد دموکراتیک و تبعیض آمیز شرکت نمی کند. امتناع از شرکت در انتخابات، تحریم یا بایکوت آن یعنی خود داری از رفتن به پای صندوق رأی در روز انتخابات. البته قابل درک است که بخش هایی از مردم عاصی، در برابر تنها دو راهی موجود تحمیلی، یعنی بین بد و بدتر، ناگزیر اولی را انتخاب کنند تا دومی را حذف کنند. این را هم می دانیم که بخشی از اپوزیسیون خارج از قدرت، از جمله در خارج از کشور، در راستای استراتژی سیاسی توهمند آمیز و توهمند زا برای تغییر اوضاع، استراتژی مبنی بر پشتیبانی کم و بیش بی چون چرا از اصلاح طلبان درون سیستم، از شرکت در انتخابات و رأی به اینان جانبداری می کند. از سوی دیگر، همواره ادعایی وجود دارد که امر شرکت در انتخابات را سیاستی مؤثر و امر تحریم انتخابات را سیاستی بی حاصل وانمود کند. اما آن چه که راهنمای عمل ما باید قرار گیرد، نه امیدهای واهمی به تنگ آمده‌ی آن بخش از افکار عمومی است و نه تاکتیک های سیاست ورزان حرفة‌ای رئال پولیتیک. فعالان سیاسی- اجتماعی جنبش های اجتماعی، عناصر و جریان های آزادی خواه، دموکرات، لائیک، روشنفکر و چپ حرفی را باید بزنند که وجدان بیدار، وجدان آزادیخواهی و دموکراسی خواهی، وجدان نافرمانی مدنی، وجدان انقیاد ناپذیری و قیمومیت ناپذیری به آن ها توصیه می کند. تنها از راه امتزاج «سیاست» با اخلاق و وجدان آزادمنشانه است که به باور من، امر سترگ «سیاست» به معنای اصیل آن یعنی مشارکت عموم در امور خود در آزادی، برابری و سلطه ناپذیری (معنای آرنی از سیاست)، می تواند از معرکه ای که امروزه «سیاست» نام دارد، از «سیاست» آن طور که هست و اکنون اعمال می شود، از آن چه که من «سیاست واقعاً موجود» می نامم، جان سالم به

در برآد، سر بلند بیرون آید.

رفتن پای صندوق رأی، خدمت به استمرار نظامی است که همواره از تعداد رأی دهنده چون ابزاری برای مشروعيت مردمی بخشیدن به خود در انتظار داخلی و بین المللی بهره می جوید. تحریم انتخابات گامی در راه مبارزه با نظام استبدادی و تئوکراتیک ایران است. مردم ایران با برهمند زدن برنامه‌ی انتخاباتی رژیم، انزوای این رژیم در عرصه بین المللی را با انزوایش در عرصه داخلی کامل می کنند. تحریم انتخابات گامی است در راه برچیدن نظام جمهوری اسلامی ایران. تحریم انتخابات تئوکراتیک گامی است در راه فراهم آوردن زمینه‌های ایجاد جمهوریتی آزاد، مستقل، دموکراتیک و لائیک در ایران.

با تشکر از خانم‌ها و آقا‌یان حاضر در اطاق که به صحبت‌های من گوش فرا دادند. در پایان فرازی از نویسنده‌ی فرانسوی، دو لابوئسی (2)، 1500 پس از میلاد، از اثر مشهور او به نام «بندگی داوطلبانه یا ضد یک» می خوانم که بی مناسبت با مسئله‌ی انتخابات ریاست جمهوری در ایران نیست. من البته سعی کردم با وفاداری به مضمون، کمی آن را به صورت شعر درآورم:

«چگونه است؟

چگونه است که انسان‌ها برای بندگی خود می‌رزمند؟

انگار که

انگار که آنها برای رستگاری خود می‌رزمند!

یادداشت‌ها

1. بنا بر اصل پنجم قانون اساسی، در جمهوری اسلامی ایران «ولایت امر و امامت امت بر عهده‌ی فقیه...» یا «رهبر» است. بنا بر اصل 57 ام، قوای سه گانه کشور یعنی «قوه‌ی مقننه، قوه‌ی مجریه و قوه‌ی قضاییه زیر نظر ولایت مطلقه‌ی امر و امامت امت...» است. بنا بر اصل 110 ام، «وطایف و اختیارات» رهبر عبارتند از «تعیین سیاست‌های کلی نظام... فرماندهی کل نیروهای مسلح، نصب و عزل... فقهای شورای نگهبان... فرمانده کل سپاه پاسداران، فرماندهان عالی نیروهای نظامی و انتظامی...».

2. Etienne de la Boétie – Le discours de la servitude volontaire ou le contr'un

سخنرانی دکتر مهرداد درویش پور در گوتنبرگ

نظریه میان برشی در بررسی تضادهای

جنسیتی و نسلی

در بین ایرانیان سوئد و پیامدهای آن

نظریه میان برشی چیست و چه کاربردی در بررسی تضادهای جنسیتی و نسلی در میان ایرانیان مقیم سوئد دارد؟ دشواری های ایرانیان در ادغام و بهم پیوستگی در جامعه سوئد کدامند و موقعیت طبقاتی، سنی و جنسیتی چه نقشی در آن دارد؟ نقش تبعیضات قومی و نژادی در تجربه متفاوت زنان، مردان و جوانان ایرانی از جامعه و مشکلات و چشم اندازی که پیش روی خود می بینند چیست؟ الگوهای تضادهای خانوادگی در میان مردان و زنان و والدین و جوانان ایرانی در سوئد کدامند و چه تغییرات و پیشرفت های در آن صورت گرفته است؟

زمان: شنبه 16 مای

ساعت: 15 بعد از ظهر

مکان: